

نظر اجمالی در زمینه

مفاهیم و دیدگاه‌های

جغرافیای روستائی

دکتر بخشنده نصرت

روستا را در فرهنگ‌های فارسی ده و قریه ذکر کرده‌اند. ^۱ در زبان پهلوی به روستا، روستاک می‌گفتند (مغرب آن روستاق جمع رساتیق) و رزداق و رسداق و رستاک ناحیه‌ای است در خارج شهر، مشتمل بر چند ده و مزرعه که در آن تولید روستایی حاکم است. در واقع روستا در زبان پهلوی معنی وسیع‌تر از ده را داشته است. ^۲ در ایران در دوره ساسانیان نیز این مفهوم مصداق داشته، "در رأس دیه‌ها مزارع تابع آن (روستاق - روستاق) یک نفر دیه‌بک قرار داشت". ^۳ دیه به معنی ده و جمع آن دیه‌ها است. ^۴ مؤلف معجم البلدان مقصود از روستا را در ایران هر موضوعی می‌داند که در آن مزارع و قریه‌ها باشد. ^۵ اصطخری بنا به ماخذ قدیمی روستا را به معنی دهستان امروزی بکار برده است. ^۶ و بدین ترتیب متقدمان مفهوم روستا را عموماً "از حد ده بالاتر دانسته‌اند.

ده و قریه سکونتگاه و جامعه‌ای است کوچک که نسبت به روستا مفهوم محدودتری دارد و یک واحد معیشتی است که در یک فضای جغرافیایی مستقر شده، شکل گرفته باشد. ولی روستا شامل ده یا قریه است به انضمام مزارع و فضاهای مربوط به مراتع و باغات و پوشش طبیعی اطراف آن (گاه بعضی از مزارع ممکن است تابع دهی نباشد و بخودی خود استقلال داشته باشد که در آن صورت یا اجتماع کوچکی از انسان در آن استقرار دارد مثلاً "یک خانواده یا بیشتر ممکن است در آن سکونت گزینند و گاه دیده می‌شود که خانواری بر روی مزرعه اسکان نیافته است که در هر دو صورت به آن مزرعه (یا کلاته *Kelāte*) گفته می‌شود و در فارسی مفهوم فضای روستایی از آن استفاده می‌شود در حالیکه در مغرب زمین به آن فارمستد (*Farmstead*) گویند. به ساکنان روستا، روستایی گفته می‌شود، روستائیان در روستا زندگی می‌کنند و بیش از پنجاه درصد درآمد آنان از طریق فعالیت‌های کشاورزی (شامل زراعت،

باغداری، دامداری، پرورش طیور، پرورش ماهی یا زنبور عسل و ...). تائین می‌گردد. در ایران به روستائیان، زارع، برزرگر، دهقان و کشاورز و یا دامدار روستایی گفته می‌شود. (قسمت اعظم درآمد دامدار روستایی از دامداری بدست می‌آید). ^۷ در گذشته به روستائینی که در زمین ارباب و فتودال بکار زراعی اشتغال داشتند رعیت نیز گفته می‌شد. ^۸ این عنوان بعدها به کسی اطلاق می‌گردید که دارای نسق زراعی بود. ^۹ ده و قریه ممکن است بر مبنای کشاورزی نباشد یعنی ساکنان آن زارع، برزرگر، کشاورز، و دامدار روستایی نباشند، بلکه معیشت آنان بر بنیان سایر فعالیت‌ها استوار باشد مثل: خدمات، صنایع دستی، استخراج معدن، بهره‌وری از آب معدنی، صید و صیادی و ... که در این صورت به ساکنان آن دهاتی گفته می‌شود. ولی اگر این واحد معیشت با بهره‌وری از فضاها یا فعالیت‌های کشاورزی همراه باشد روستا نامیده می‌شود. پس از خصوصیات روستا وابسته بودن آن به زمین است یا بهره‌وری از طبیعت و یا در رابطه با امکانات فضاهای طبیعی. در نتیجه هر روستا شامل یک ده است ولی معلوم نیست که هر ده ضرورتاً "روستا باشد. پس بین ده و روستا از نظر مفهوم نوع معیشت فرق است. با این وجود در عرف واژه‌های روستا، کلاته، قریه، ده و دهکده بجای یکدیگر بکار می‌رود و جغرافیدانان با توجه به این مفاهیم تاگزیر به رعایت عرف و عادت است.

مکان‌گزینی یا مقر روستا: موقع و مکان استقرار هر روستا بوسیله نخستین ساکنان آن در یک قلمرو جغرافیایی مناسب انتخاب گردیده است. یعنی روستا پدیده‌ای است انتخابی، بدین معنی که در نواحی حاصلخیز و مستعد به کشاورزی اولین استقرار و سکونت دائمی انسان پا گرفته و بتدریج تسلط وی بر فضاهای اطراف آن ممکن ساخته است. ^{۱۰} و مادام که نیاز معیشتی وی از آن سرزمین تائین گردیده در حفظ استقرار خویش کوشیده است. بدین ترتیب قریه و روستا با "اوبه" و "مال" که واحد کوچ‌گری است و عرفاً به محل استقرار موقتی ایلات و عشایر به هنگام کوچ در فاصله بین بیلاق و قشلاق اطلاق می‌گردد، تفاوت فاحش دارد. ^{۱۱} چون منابع معیشتی انسان کوچ‌رو و دامهای وی از طبیعت اطراف "اوبه" و "مال" که در مسیر ایل راه (مسیر حرکت ایلات کوچ‌گر از گرمسیر به سردسیر و یا سرحد و بالعکس را ایل راه گویند) وی یا در ناحیه گرمسیر و سردسیر و یا بخش سرحدی اوست محدود بوده، امکان بهره‌وری دائمی را میسر نمی‌سازد. ^{۱۲}

وحدت روستا: روستا یک واحد طبیعی است و وحدت آنرا آب و خاک قلمرو آن تعیین می‌نماید. این قلمرو گاه ممکن است بخشی از یک واحد طبیعی باشد که در آن صورت باید دخلت‌های اداری یا سیاسی و یا عوامل اقتصادی جامعه را در نظر داشت. روستا یک واحد انسانی نیز هست و وحدت انسانی آنرا جمعیت روستا با فرهنگ ویژه آن تشکیل می‌دهد و در عین حال یک واحد سیاسی و

— صنایع استخراج سنگهای معدنی مثل فیروزه، زغال سنگ، سنگهای مرمرین، سنگ آهک، سنگ گچ و ... که بهره‌وری از دل خاک را در روستا میسر می‌سازد.

— صنایع دستی دیگر مثل پوستین‌دوزی، گیوه بافی، صنایع تزئینی و مستظرفه (منبت‌کاری، عاج‌کاری) سب بافی که از پوست و عاج حیوانات و یا شاخ و برگ درختان استفاده می‌شود.

— ده و قریه وقتی بر بنیان خدمات استقرار می‌یابد که یکی از جنبه‌های سرویس‌رسانی در آن مبنای معیشت باشد، نظیر دهاتی که بر اساس چشمه‌های آبگرم یا آبهای معدنی (گوگردی و آبفشانها) پاکرخته و یا دهاتی که بر سر راه تجارتي یا در مسیر بازارهای عرضه و تقاضای کالاهای مصرفی و یا تجارتي شکل گرفته باشد. و یا قرایی که در نواحی خوش آب و هوا بوجود آمده، اهمیت سیاحتی دارد و امرار هاش ساکنان آن بر بنیان هتل‌داری و خدمات‌رسانی به مسافران یا سیاحان (توریست) و ... باشد.

علل گرایش به روستاشناسی: گرایش به بررسی‌های روستایی در پی انقلاب صنعتی اروپا در قرن ۱۸ و گسترش شهرنشینی آغاز گردید و بتدریج مورد توجه علما و حکام آن سامان قرار گرفت. در نتیجه در رشته‌های مختلف علوم انسانی بتدریج شاخه‌هایی با عناوین مختلف به منظور بررسی روستاها بوجود آمد. چون پدیده شهرنشینی که بر بنیان صنعت توسعه یافته بود و روز به روز گسترده‌تر می‌شد و موجبات مهاجرت از روستا به شهر را فراهم می‌ساخت ضمن توسعه شهرنشینی، شهرهای پرجمعیت بیش از پیش متراکم‌تر می‌گردید، گرچه قبل از این دوره نیز در نواحی مختلف جهان مخصوصاً در مناطق پرجمعیت شهرهای بزرگ وجود داشت ولی نباید فراموش کرد که آن شهرها فقط در نواحی از جهان به چشم می‌خورد که جزء سرزمینهای عقب‌نگهداشته شده و یا در تقسیم‌بندی جدید اقتصادی جزء سرزمینهای کمتر توسعه یافته بشمار می‌آید^{۱۲}. یعنی ازدیاد جمعیت شهرنشین در آن نواحی رشد طبیعی و تاریخی آن شهرها بشمار می‌رفت. نظیر آنچه که در آسیای جنوب شرقی و مخصوصاً در چین وجود داشت^{۱۳}. با توسعه صنعت در اروپا نیاز به تولید مواد اولیه کشاورزی مورد مصرف در کارخانجات تکثیر می‌یافت در حالیکه تولیدکنندگان روستایی در اثر مهاجرت به شهرها تقلیل می‌یافتند. در واقع توسعه صنعت در نواحی شهری اروپا با درهم ریختن نظام اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی همراه بود و سرانجام نظام اقتصادی — اجتماعی شهرها را متحول ساخت. چون بعدها در اثر پیدایش جنبش‌های سیاسی شهرها چهره متحول خود را به دلیل جاذبه‌های خاص اجتماعی یافتند و علاوه بر ایجاد حرکات سیاسی مؤثر در دستگاههای حکومتی موجبات گرفتاری صاحبان صنایع و کارخانجات را فراهم آوردند. در این دوره اختراعات متعدد علمی و فنی تحت تأثیر متقابل یکدیگر و احساس احتیاجات



اداری نیز هست، واحد سیاسی و اداری است، چون واحد تقسیمات سیاسی در یک مملکت است و در ایران نیز روستا کوچکترین واحد سیاسی در تقسیمات کشوری است. چنانکه در سایر ممالک جهان نیز این واحد مبنای سنجش تقسیمات سیاسی است. روستا از نظر اقتصادی دارای وحدت است. چون یک واحد تولیدی است و حد و مرز آنرا مالکیت ارضی هر روستا تعیین می‌نماید. این واحد تولیدی عرفاً " ممکن است کشاورزی، صنعتی و یا خدماتی باشد.

— در صورتیکه روستا یک واحد تولیدی کشاورزی باشد مهمترین فعالیتهای آن ممکن است، زراعت، باغداری، دامداری، پرورش زبور عسل، پرورش ماهی و یا ... باشد و یا هر فعالیت دیگری که در روستا امکان تکثیر و تکرر و تولیدی را در رابطه با بهره‌وری مستقیم از طبیعت فراهم نماید و روستایی بتواند هاش خود را از آن طریق تأمین کند و مازاد آنرا نیز به خارج از روستا عرضه نماید.

— روستا و ده وقتی واحد تولید صنعتی است که بر مبنای صنایع روستایی باشد. یعنی ماده اولیه آن در روستا تحصیل شود و در محیط روستا نیز تبدیل به مواد قابل مصرف گردد مثل:

— فرش بافی (قالی، قالیچه، گلیم، پلاس، نمد، حصیر و ...) که بر مبنای بهره‌وری از پشم و موی دام است و یا استفاده از گونه‌هایی از گیاهان که در مردابها و یا فضاها روستایی کسب می‌شود (مثل لگوم و انواع دیگر از گونه‌های بوریا که در حصیربافی مصرف دارد).

— صنایع و فرآورده‌های تولیدات دامی و خوراکی (لبنیات، ترشیجات، کنسروهای غذایی و ...) که بر مبنای تولیدات زراعی و باغداری و دامداری استوار است.

— کارگاههای سفالگری، سرامیک‌سازی، چینی‌سازی و ... که بر اساس استفاده از منابع طبیعی خاکها و سنگها ایجاد می‌شود.

اقتصادی عصر به عمل آمد و کار بانکها رونق گرفت و در بعضی از کشورها وضع طبقات اجتماعی در شهرها و روستاها روبه تنزل نهاد و روستائیان بتدریج از زمینهای خود رانده شده به شهرها روی آوردند. فقر و تهیدستی بر اثر افزایش قیمتها در همه جا آشکار گردید و طبقات زحمتکش و محروم جامعه به مخالفت و ستیز با مآشین و مدیران صنایع جدید برانگیخته شدند و منازعات طبقاتی بوجود آمد و چون اثر بارز انقلاب صنعتی در بعضی کشورها فقط توسعه اقتصادی بود و نه ترقی اجتماعی و یا بهزیستی عامه مردم، رفته رفته نظر دانشمندان به این مسائل معطوف میگشت، و تفکر و چاره اندیشی روز به روز ضرورتر می نمود تا اینکه فشار تمرکز تعداد کثیری از جمعیت در نواحی شهری، نیاز به مواد تولیدی روستایی را تشدید نمود کارخانجات صنعتی نیز برای مصارف تولیدی خود به روستا وابسته شده بودند و برای تأمین نیازهای مصرفی کارخانجات خود، روستائیان را تشویق به کشت های مورد نیاز خویش می نمودند و محصولات آنها را با سود قابل توجه جذب می کردند. سودآوری محصولات تجاری و صنعتی کشت های سنتی و بومی را تحت الشعاع کشتهای تجاری قرار داد و توسعه کشت بعضی از محصولات غیر ضروری را در روستا فراهم می کرد ۱۵. مخصوصاً روستاهایی که بر بنیان محصولات تک کشتی مستقر شده بودند روستائیان را برای تأمین مواد غذایی مورد مصرف خود در تنگنا قرار می دادند تا آنجائی که در اکثر موارد روستا برای تأمین مواد غذایی ساکنان خود سر بار جامعه شهری می شد و اختلاف شدید سطح زندگی در نواحی صنعتی و غیرصنعتی یعنی شهرها و روستاها بالا گرفت. مسائل فوق که عملاً مبتنی بر نیاز مبرم به مواد خام مورد استفاده در صنایع و کارخانجات نواحی شهری بود، توجه به منابع تولیدی را بیشتر نمود و لزوم شناخت استعداد های نواحی روستایی را تشدید ساخت و چون شناخت نواحی روستایی و روستانشینی بدون رابطه با محیط طبیعی آن نمی توانست نیاز فوق را برآورده سازد با اینکه علوم دیگری همچو جامعه شناسی روستایی (مردم شناسی روستایی، جمعیت شناسی روستایی) بررسی های روستایی را آغاز کرده بودند ولی چون هیچیک از آنها همزمان به شناسائی محیط طبیعی روستا و استعدادات بالقوه آن در ارتباط با معیشت انسان در روستا نمی پرداختند و تنها علمی که می توانست از این جهت بیش از سایر علوم مؤثر واقع گردد و جواب نیازهای فوق را بدهد و ضمن شناخت فضای روستا، معیشت ساکنین آن را نیز مورد مداخله قرار دهد جغرافیای روستایی بود و چون نیاز به این علم شدیداً مورد توجه قرار گرفت، این علم روبه توسعه و تکامل می رفت.

با سرزمین و طبیعت اطراف وی و تأثیر و تأثر هر یک در دیگری مورد نظر می باشد. گاه دیده شده که بعضی از پژوهندگان روستا شناسی را مترادف جغرافیای روستایی قرار می دهند در حالیکه بین آن دو فرق بسیار است. از بین جغرافیدانان ایرانی که در زمینه روستا شناسی تألیفاتی به چاپ رسانده اند تنها دکتر کاظم ودیعی را می توان نام برد. دکتر ودیعی در کتاب مقدمه بر روستا شناسی ایران که بر بنیان جغرافیای انسانی نوشته است، می گوید: روستا شناسی عبارت از معرفت همه جانبه به محیط طبیعی و انسانی ده و دریافت استعداد بالقوه و بالفعل آن به نحوی که این معرفت بتواند راهنمایی صدیق در امر سرمایه گذاری و عمران باشد " ۱۴ در این تعریف مؤلف، روستا شناسی را برای اذهانی که مصرا " در جستجوی کلمه معادل فرنگی آنند. تحقیقات ژئوسوسیو اکونومیک - *Recherches Geo-Socio-Economiques* پیشنهاد می کند هر چند این تعریف برای روستا شناسی عمرانی صدق می کند ولی با جغرافیای روستایی فرق بسیار دارد - همانطور که جامعه شناسی روستایی با جغرافیای روستایی متفاوت است. چون نقطه نظرهای علمی هر یک از این علوم به گونه ای متفاوت است. جغرافیای روستایی علمی است که بر بنیای شناخت محیط ده و فضای اطراف آن و شیوه سکونت انسان در رابطه با طبیعت روستا استوار است که در این رابطه ضرورتاً از تغییرات هر یک از پدیده های طبیعی و انسانی در نتیجه تأثیر و تأثر عوامل جغرافیائی بحث می نماید. در حالیکه در روستا شناسی عمرانی ضمن مدد گرفتن از جغرافیای روستایی وقوف به استعداد های بالقوه و بالفعل روستا ضرور می نماید تا با استنتاجات لازم پی به تنگناها برده شود و با توجه به رشد جمعیت و میزان درآمد، نیازهای جامعه روستایی تعیین گردد و در ارتباط با برنامه عمران ناحیه ای و عمران ملی خط و مشی عمرانی روستا را در کوتاه مدت و دراز مدت بدست دهد. حال آنکه در جامعه شناسی روستایی نظامهای گوناگون اجتماعی نظیر مؤسسات و گروهها و نهادها و افکار عمومی و رفتارها و ارزشها و هنجارها و مسائل جمعیتی مورد نظر است ۱۷

گاه بعضی از دانشمندان علم جغرافیا، برای جغرافیای روستایی تعاریفی بدست داده اند که به لحاظ محدودیت های تعاریف آنان نمی توان کلیت فوق را در آنها ملاحظه نمود چنانکه: *Hugh. D. Clout* استاد دانشگاه آکسفورد در کتاب جغرافیای روستایی خود *Rural Geography* که در سال ۱۹۷۷ به چاپ رسیده است، جغرافیای روستایی را به منزله مطالعه تغییراتی که در زمانهای اخیر در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فضایی و چگونگی بهره برداری از زمین در نواحی کم جمعیت تر که عموماً " از لحاظ اجزاء قابل رویتشان به عنوان روستا *Countryside* به رسمیت شناخته شده اند بیان نموده است ۱۸. این تعریف برای جغرافیای روستایی کلیت ندارد چون ابتدا باید خود پدیده ها و عناصر ثابت

اصول جغرافیای روستایی: جغرافیای روستایی بر بنیای شناخت کلی واحد روستا استوار است. و واحد روستا شامل محیط طبیعی و انسانی می گردد. بدین معنی که مقر و مسکن انسان ده نشین همراه

یک واحد جغرافیایی کوچک بررسی شود و پس از آن تغییرات آن در زمینه‌های مختلفی که مورد نظر جغرافیدانان است مورد مذاقه قرار گیرد. بن‌آمور (J. Bonnamour) استاد جغرافیای روستایی دانشگاه سوربن در کتاب جغرافیای روستایی خود، مطالعات سنتی جغرافیای روستایی را مطابق با توصیف روستاها ذکر می‌کند و منظور از جغرافیای علمی روستایی را بررسی روستاها از نظر طبیعت، فضاها، کشاورزی، زندگی و فعالیتهایی که در روستا انجام می‌شود در زمانهای متغیر می‌داند فوشه (D. Faucher) معتقد است جغرافیا باید جریانات ممکن‌الوقوع و آنچه را که تغییرات و تحولات اساسی در روستا ایجاد می‌کند مطالعه نماید^{۱۹}. بدین ترتیب اگر نظرات سایر جغرافیدانان نیز مورد مطالعه قرار گیرد ضمن گوناگونی و ناهماهنگی نقطه نظرهای آنان عموماً همه در یک مورد دارای وحدت عقیده‌اند و آن بررسی فضای روستا و معیشت انسان است که ضرورتاً شناخت تأسیسات و سازمانها و نهادهای اجتماعی و اقتصادی را نیز دربر می‌گیرد. در بین جغرافیدانان معاصر نظر پیر ژرژ (Pierre George) جغرافیدان صاحب مکتب فرانسوی در اثر معروف خود به نام مبانی جغرافیای روستایی *Precis De Geographie Rurale* که در سال ۱۹۷۸ در پاریس به چاپ رسیده می‌تواند جامع‌تر از دید سایر جغرافیدانان باشد. پیر ژرژ مبانی جغرافیای روستایی را بر اساس بررسی فضاها، کشاورزی و مطالعات آن با توجه به جامعه و ابزار کار و اقتصاد روستا و آمایش آن به منظور رفع مشکلات معیشتی در جوامع روستایی می‌داند^{۲۰}.

کتاب پیر ژرژ از چهار قسمت تشکیل یافته که در قسمت اول رابطه و اثر شرایط طبیعی را مورد توجه قرار داده است. در قسمت دوم جامعه و ابزار کار را مطالعه می‌کند، در قسمت سوم اقتصاد روستایی و عمران منطقه‌ای و در بخش چهارم مسائل کرسنگی و مشکلات تغذیه و مسائل تطابق بهره‌وری از تکنیکها و بالاخره مسائل تجاری و قیمتها را مورد مذاقه قرار داده است.

منابع

- ۱- محمد معین، فرهنگ فارسی، جلد دوم، ۵-ق، مؤسسه انتشارات امیرکبیر-تهران "به عنوان نمونه".
- ۲- خسرو خسروی، جامعه شناسی روستای ایران، دانشگاه علوم اجتماعی و تعاون، آذرماه ۱۳۵۱-تهران.
- ۳- گریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص. ۱۶۱.

- ۴- حمدالله مستوفی، نزهةالقلوب، به کوشش دبیرستانی، ناشر کتابخانه طهوری ۱۳۳۶-ص. ۹-۱۶۸.
- ۵- معجم البلدان- ماده روستا.
- ۶- ابواسحق ابراهیم اصطخری، مسالك و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷-تهران.
- ۷- روزنامه اطلاعات، اصلاحات ارضی در ترکیه، فروردین ماه ۱۳۵۱.
- ۸- کاظم ودیعی، مقدمه بر روستاشناسی ایران، گفتار چهارم دهناد یانسق زراعی، ص. ۹۱-۷۲.
- ۹- ویل دورانت، تاریخ تمدن..... جلد اول.
- 10- Bakhshandeh. Nosrat. Abbas. Un exemple-Regional De Modernisation En Iran : -Russite Ou Echec? L'information Geographique, 1981, 45, Documentation Generale P P. 20 A 27.
- ۱۱- بخشنده نصرت، مسکن سنتی در کبگیلویه و بویراحمد، پنجمین سمینار جغرافیدانان ایران، ۱۳۵۶-تهران.
- ۱۲- روزنامه کیهان بخش اقتصادی-ویژگیهای شهر و شهرنشینی، در جوامع رو به رشد. سه‌شنبه اول مهرماه ۱۳۶۵-۱۸ محرم ۱۴۰۷.
- ۱۳- بهزاد شاهده، انقلاب چین- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران ۱۳۶۵-ص. ۱۰.
- ۱۴- لوئی بدن-استاد اقتصاد دانشگاه پاریس-تاریخ عقاید اقتصادی-ترجمه هوشنگ نهاوندی-انتشارات مروارید، ص. ۱۳۷-۷۳.
- ۱۵- کاظم ودیعی، مقدمه بر روستاشناسی ایران- گفتار نخست، ص. ۱۰.
- ۱۶- کاظم ودیعی، مقدمه بر روستاشناسی ایران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات تعاون دانشگاه تهران- پیشگفتار و گفتار نخست، ص. ۱۷.
- ۱۷- خسرو خسروی، جامعه شناسی روستای ایران، پیشگفتار از انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- 18- Hugh. D. Clout, Rural Geography, 1977.
- 19- J. Bonnamour. Geographie Rurale, Methodes Et Perspectives Masson Et Cie, 1973.
- 20- Pierre George, Precis De Geographie Rurale, Puf, 1978.